



وسعت انقلاب واسطوره مقاومت

انقلاب با گامهای بلند بجایگزین برداشته است. تاریخ رقم میخورد و حماسه ها آفریده میشود. زندانها ابعاد نجومی بخود میگیرند، چوبه های تیرباران قدر است کرده اند و روزانه جوانان انقلاب را بر کشتزار تاریخ می نشانند. وحشیانه ترین شکنجه ها - قرون وسطایی به سخره برگزار میشوند. این رسم تاریخ است. این رسم تاریخ است که معجزه بیا فرزند. این رسم انقلاب است که نسل مقاوم خویش را پرورش دهد. انقلاب اوج میگیرد و در اوج خود نسل را تربیت میکند که شاخه های انقلاب است.

انسان تاریخ را میسازد، تاریخ جوهر اجتماعی می یابد، اما تاریخ پیامد فعالیت انسانهای مجرد نیست.

انقلاب بنا بر مضمون تاریخی خویش شوریدگی طبقات بقیه در صفحه ۲

یادداشت های سیاسی

خمینی :
تشریح مجلس در حمایت سرمایه
و متابعت از شورای نگهبان
در صفحه ۱۴

بررسی اشکال مبارزاتی کارگران و زحمتکشان (۴)

خواسته ها

مهرماه ۶. الی مهرماه ۶۱

۱- جلوگیری از افزایش ساعات کار
۲- اعتراض به دستگیری و اخراج ۳-
رد انتخابات فرمایشی ۴- مخالفت
با مزدوران انجمن اسلامی و اداره -
حراست (حفاظت) و جواز اختناق
حاکم بر کارخانجات.

در یکسال گذشته، علیرغم رشد آگاهی کارگران و علیرغم اینکه در رابطه با اعتراض و هر خفتی که از ایشان ضایع میشود، مسئله را بلافاصله به کل رژیم مرتبط می نمایند و حکومت را بزیر سؤال میبرند، با اینحال مبارزات عملی آنها بطور عمده در زمینه اقتصادی و صنفی قرار گرفته و خواسته های سیاسی در بعد محدودتری مطرح بوده است. خواسته های کارگران را در این محدوده یکساله، میدان حول محور جمع بندی کرد: ۱- جلوگیری از کاهش دستمزد و مزایا و مقابله با سختی و شدت کار و

در شش ماهه دوم سال ۶۰، در مجموعه خیرکتهای اعتراضی کارگری گزارش شده، خواسته های صنفی نزدیک به دوبرابر خواسته های سیاسی بوده است که از میان خواسته های سیاسی، اعتراض به دستگیری بقیه در صفحه ۵

در این شماره

جنبش انقلابی خلق کرد

در صفحه ۱۴

بیانیه شرکت کنندگان در

کنفرانس آبان ماه ۱۳۶۱
(شاخه کردستان)

در صفحه ۱۲

خطاب به مبلغین

در صفحه ۹

قسمت سوم

پیش نویس

قانون ارتجاعی کارآئینه تمام نمای رژیم

(دستمزد)

مواردی از پیش نویس فوق که بر اساس تجاوز آشکاره اولیه ترین حقوق کارگران محسوب میشود برخورد خواهیم کرد.

* * *

اساساً نظام سرمایه داری، تولید رابطه آرگانیک بانسروی کار دارد و طبقه کارگر که نیروی کار را تامین میکند در این بقیه در صفحه ۳

ما تاکنون در سلسله مقالاتی که در کار شماره ۱۶۰ و ۱۶۱ به چاپ رسید، ضمن بررسی کلی پیش نویس قانون کار و برخورد به کلی ترین خطوط این قانون که به تحقیق ارتجاعی ترین قانون کار در سطح بین المللی است، به بحث از مبحث قانون کار یعنی مسئله استخدام کارگران اشاره کردیم. در این قسمت از مقاله مسئله دستمزد و تامین اجتماعی و دیگر

کمیته های مخفی اعصاب را برای برپائی یک امتصاب عمومی ایجاد کنیم



وستت . . .

بقیه از صفحه ۱

معینی را به نمایندگی میگردارد که آیند سازمان تاریخ مبارزات بشری هستند . پس نسل انقلابی امروز نیز یک انسان مجرد نیست . انسان در و انسان سازی است که به طبقه مسین و آینه مشخصی تعلق دارد ، به پروتاریای انقلابی ، به سوسیالیسم . همدانسانهای کمونیست و همه اقشار و طبقات زحمتکشی که در این راستا قرار میگیرند این سرنوشت را رقم میزنند . تاریخ بیامد فصل معینی است که در بیجا هیچ حوادث بزرگ سیر تکاملی خود را می پوید و به پیش میبرد . گنجار رفتن انسان اولیه با مفرغ و آهن ، حماسه اسپار تا کوس و قیام بردگان ، رنسانس اروپا ، کمون پاریس ، انقلاب کبیرا کترو حماسه آفرینی های انقلاب ویتنام و . . . جلوه گاه این فصول معین اند و انسان نیز در این نقاط عطف مشخص مضمون واقعه خود را پیدا میکند . مادر هر بشری تاریخ با انسانهای مشخصی روی میرو هستیم که هر کدام بنا بر تمایل و منافع طبقاتی خیزش در حوزه معینی از فعالیت اجتماعی قرار میگیرند و از آن دفاع میکنند . در این دوران تنها طبقه کارگر است که جایگاه ویژه ای دارد . عزم راسخ و تردید ناپذیر این نیروی بالنده اجتماعی ، طومار ستم بورژوازی را در هم میپیچد و اسطوره مقاومت در برابر همه تشنشات بورژوازی جان میگردد . دیگر اقشار و طبقات اجتماعی که در این سمت قرار نگیرند وضعیت دیگری می یابند . درست در همین نقاط عطف است که تضاد منافع بروز میکند . تضاد بین حرکت تاریخی و منافع طبقاتی . در سر هر تند پیچ تاریخ ، اقشار و طبقات بین راه انگروده تاریخ خارج میشوند و به بیرون از آن پرتاب میگرددند . در این میان روشن فکران خرد بورژوا که موقتا از جایگاه طبقاتی خویش برید ه اند نیز یابید در راستای حرکت تاریخ جهت گیری کنند یا روی چوب تنگ طبقاتی خویش به صلیب کشیده شوند . همه دید ها و تزلزلات در همین جا بروز میکند . آنارشیسیم و فرمیسم با اختلاف زمانی محدود به یکدیگر می چسبند و به فقر تاریخ سقوط میکنند . اسارها و منشویکهای روسی در آلمان بشکل و شمایل شاید مانها و کائوتسکی ها درمی آیند ، در انگلستان بصورت هند رسونها و استونود نها

ظاهر میشوند و در ایران به سلسله روحانی ها ، کیانوری ها خود نمایی میکنند . حالب است که اینها با دشمنی در برینهای که با هم داشتند در دفاع از منافع طبقاتی خویش که سیقت را در رشوهای تلویزیونی از یکدیگر میریابند . اگر غار غور غازها میتوانست شاه رانجات دهد ، اگر تعریف و تمجید از اصلاحات ارتداعی ترین حکومتها میتوانست یکروز بر عرش سلطنت پهلوی بیافزاید ، امروز هم لاشائی ها و نیکخواه ها و هم تودهای ها و اکثریتی ها حال و روز دیگری داشتند ! امروز اگر ناد مین خیانت پیشه چشمان شرمگین خود را در برابر تاریخ و واقعیتهای تاریخی بسته اند ، اما خود حضرات خمینی و دیگر سران حکومتی نیک میدانند که هیچیک از دلک بازبها و هوچی گریهای این بوزینگان فرومایه نمیتواند برایشان چیرگی بیافریند .

کنگره چینی های اکثریتی و شرکا ، حق دارند از میان مقاومت حماسه آفرین یک نسل انقلابی ، جرجیس را انتخاب کنند و با آن بزم ضیافتی را که با افتخار ارتجاع ترتیب داده اند رنگین سازند . آنان حق دارند برای پرده پوشی خیانتهای خود بهر کشفی چنگ بیاندازند . حق دارند از میان هزاران هزاران هزاران له خون ، جامه چرکین و اماندهای خود فروش را پرچم خود کنند . شاید هنوز هستند افرادی که طعمه این نغمه خوانی ها قرار میگیرند ، هستند افرادی که با این تفاله های تاریخی باد لجوی میگردند ، هستند هنوز کسانی که پشت "سابقه" خائنین به جستجوی "اصالت" میگردند ، کسانی که میخواهند از اصالت خیانت سنگری سازند و چهره متزلزل خود را بیوشانند .

کیست که امروزند اند در زندانهای قرون وسطا نمی رژیم چه میگردد ، کیست که امروزند اند "اوپین" مظهر مقاومت است ! کیست که نداند هر روز صد ها صد از نیروهای انقلاب با این دلیل به جوخه های مرگ سپرد میشوند که لب از لب نگشود ه اند ، کیست که نداند دختران خرد سال شلاق جلد رابه تازیانته نبرد گرفته اند ! کیست که نداند "اوپین" با زار قتل و عام فدائی و مجاهد است . پس دیگر با زار گرمی این شعبده بازیها سیری شده است . امروز مقاومت قهرمانانه صد ها هزار انقلابی جان بر کف طومار این ننگ را در هم پیچیده است . تاریخ این سقوط شدگان را محو کرده است . یکد از بورژوازی دشمنانک شود .

یکد از جنون آسار تراوش هزاران هزار فدائی کمونیست را بالای دار بسرد ، یکد از هزاران هزار مجاهد را تیرباران کند ، تخت شکسته را در سراسر ایران بگسترند و کودگان خرد سال را سلاخی کنند ، یکد از خانه گرد بیاهوی گرد های جنون آمیز پلیسی را به تمام پهنه میهن بکشند و یکد از جغد های شوم نغمه های بی چمنی خود را از زیر مخروبه های انقلاب بسرد ه اند ، تاریخ کار خود را خواهد کرد . توده ها راه خود را بهتر خواهند جست . پروتا ریا آید به تر خواهد شد و انقلاب ریشه های عمیق تری خواهد گرفت . در این مقاومت آهنین که دیگر گوشت و پوست و خون را با آن کاری نیست ، قلب خلقی است که می طید ، اسرار میلیونها میلیون انسان زحمتکشی است که حراس است میشود . اسطوره مقاومت توده انبوهی است که غلبه و حسیانه ترین بیدار گریها بی تاریخ بی خاسته است . آزاد ه آیند خلقی است که می رود تا تاریخ خود را بسازد .

برشت میبرد : برج بیزارا چه کسانی بنا کردند ؟ سنگهای عظیم تخت جمشید را چه کسانی روی هم گذاشتند ، قسطنطنیه را چه کسانی فتح کردند ، پرچم طفر نمون انقلاب کبیرا کترو چه کسانی برافراشتند ؟ تاریخ پاسخ میگوید : کارگران بطور و گران قزاقهای خاشیه دن ، سربازان ارتش ناپلئون ، کمونارد های پاریس ، ژاگونیهای فرانسه ، بسرک لیوفروش صد بهرنگ . آری تاریخ محمول زندگی فعال میلیونها میلیون انسان شناخته و ناشناخته است . حال تصور کنید یک صحنه کمند را که مثلا فلان کمونارد پاریس اسلحه را زمین میکند است و کمون راترک میکرد یا فلان اجرینای تخت جمشید دست و پا داشت ، رقص کنان وسط خیابان می پرید و فریاد میکرد "من آجرم" نباید مسخره بنظر برسد اما باز هم زیاد سخت نیست . تصور حال و روز فلان روشنفکر با اصطلاح انقلابی که با تحلیل شکست انقلاب از همه چیز دست میشود و عرصه مبارزه طبقاتی را ترک میگوید . مارکسیسم انقلابی پیش از یک قرن است که بر این ذهنی گرائی روشنفکرمانه خط بطلان کشیده است مارکسیسم واقعی مدتهاست سراب رحمت اف چرنیشفسکی را به آب

سپرد ه است . وقتی مارکس میگوید پروکتاریا را انقلاب جز زنجیرهایش چیزی از دست نمیدهد در حقیقت حربه اتویک این سوسیالیستهای ظاهری را از دستشان خارج کرده است . تمام خلاقیت مارکس در این بود که انگیزه های طبقاتی نغمه در صفحه ۱

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

اجرت را بعد از اتمام عمل میسرند.
(کلیات حقوق اسلامی مدنی - استاد محمد عبده)

شیفتگان سرمایه آنچنان در چارگیج سری شده اند که نمی فهمند کارگران همچون سرمایه داران، اند و خسته ای ند آرند که بتوانند بدون دریافت مزد مدتها کار کنند. تنها سرمایه آنها نیروی کارشان است که با فروش آن امرار معاش میکنند. بعلاوه در نظام سرمایه داری که کار فردی نیست تا پس از اتمام آن پرداخت دستمزد متصور گردد. حال برای اینکه پیش نویس جدید آقایان نیز توهم زانی باشد چند مورد نیز از پیش نویس جدید که بارنگ و لباس جدید اما با همان مضمون و محتوا منتشر شده است می آوریم. در ماده ۷ پیش نویس جدید میخوانیم: "اجرت المثل کار عبارت است از اجرتی که بر حسب متعارف و با ملاحظه شرایط زمانی و مکانی کار برای آن پرداخت میشود. اصل صحبتی از حداقل دستمزد نیست و تمام اختیارات با سرمایه دار است که شرایط زمانی و مکانی یعنی در این وانفسای بیکاری بهر میزان که خواست کارگران را استخدام کند.

اگر بخواهیم مجموعه تفکر حاکم بر پیش نویس قانون کار و عبارت دیگر هدف رژیم ارتدوین آنرا در یک جمله خلاصه کنیم عبارت خواهد بود از کاهش هزینه های سرمایه داران در اشکال مختلف و شیوه های مختلف و این امر تا بد انجامیست. فته است که حتی طبقه بندی مشاغل نیز در اختیار کارفرمانهاد شده است. صاحبان کار بطنط و رایجاد نظام فردی در کارگاه خود میتوانند با رعایت معین فسرده یکسان برای کارهای مشابه مشاغل مختلف کارگاه خود را ارزیابی و از نظر اجرت طبقه بندی نمایند. و بیافایم عبارت دیگر هر طور که منافعشان اقتضا کرد مسئله را فیصله دهند.

واما در مورد مزایا: از جمله قوانینی که در رژیم گذشته سرمایه داران بخاطر افزایش تولید بان تن داد بود در مسئله سود ویژه و سهم شدن کارگران در سود کارخانجات و پاداش وعیدی بود. گرچه صاحبان سرمایه به احکام مختلف و با هزاران در و زوکلک آرایه جدا قلم می رسانند از جمله با ارائه آمار قلابی، میزان درآمد کارخانه، تا حای که میتوانستند از زیر بار این امر میگریختند اما بهر حال این قانون بصورتی تشبیت شده در آمده بود رژیم جمهوری بقعه در صفحه ۴

و حذف کلسه مزایا و کاهش دستمزد میباشند و ندر تکنولوژی پیشرفته. در پیش نویس قانون کار منتشره از سوی وزارت کار کلیه حقوق و حتی استانی ترین خواسته های کارگران که طی سالها مبارزه در سطح بین المللی و در چارچوب جوامع سرمایه داری به رژیمهای مربوطه تحمیل گردانده، زیر پا گذاشته میشود. یعنی دستمزد، مزایا، بیمه های اجتماعی، ساعات کار، شرایط محیط کار و همه و همه موکل به قرار داد فیما بین "اجیر" و "مستاجر" میگرد و در واقع سرمایه دار مالک الرقاب کارگران محسوب میشود. رژیم رسما اعلام کرده است که این پیش نویس بر اساس "سبب اجاره" تنظیم شده است، طبیعتی است که در این راستا و از این دیدگاه رژیم، حذفی برای کارگران که "اجیر" سرمایه داران هستند، نمیتواند متصور باشد. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علنا پرولتاریا را برده سرمایه داران میدانند و این امر تا بد انجامیست میروند که در صفحه ۲ از پیش نویس اصلی میخوانیم: "اگر کسی را اجیر کرد به باشد که جاهل و زرد در زمان معین بود و در ترید وزد، میتوانست از اجرت او چیزی را کم کند ولیکن کسی باید که فراتر از کل اجرت را... (شرایع الاسلام مدنی حلی) و در صفحه ۱۳ آمده: "هرگاه اجیر قبل از خاتمه مدت عمل، موضوع اجاره را انجام دهد، شیهه راست حد فاق اجره المسمی نیست مانند صورتیکه در مدت مقرر خاتمه یابد." (شرح قانون مدنی حائری شاه باغ). این در مثال جدا از کلمات بکار برده شده حاوی نکته ای است و آن اینکه اگر این اصل "ققی" تعمیم یابد، کارگران بهره لیلی که نتوانند کارشان را انجام دهند مستوجب کاهش دستمزد هستند، اما در صورتیکه پیش از موعد موفق به انجام کار شوند، همان حقوق تعیین شده را دریافت میدارند! و این امر بر احتی دست سرمایه داران را جهت کاهش دستمزد تحت عنوان مختلف باز میکند.

از دیگر مواردی که پیش نویس اصلی قانون کار به سرمایه داران توصیه میکند همانا پرداخت حقوق پس از اتمام کار است بطوریکه در صفحه ۳۵ پیش نویس آمده است: "وقتی اجیر خود را آماده برای عمل نمود و مقدمات آنرا فراهم ساخت حقا میبایست مستحق تمام اجرت باشد و نیایست بین آنها فرق گذاشت و لکن نظریه احتمال عروضا موانع از استمرار عمل، عادت بر این جاری شده است که

قانون

بقیه از صفحه ۱

سایر مراحل تکامل جوامع بشری نسبت به برد داری و فئودالسم تحسنت شدیدی ترین استثمار وستم طبقاتی قرار می گیرد. در روند تولید بخش اعظم نیروی کار بصورت ارزش اضافی و تحت عنوان سود حاصل از سرمایه به حیب سرمایه دار جاری میشود. اما پرولتاریا برای آنکه بتواند چرخ صنعت را تا مین کند یعنی پرولتاریا قدرت باز تولید مجدد را باز یابد و تنها رحدی که بتواند ارزش از دست رفته در روند تولید را جبران کند، بخشی از محصول کار را تحت عنوان دستمزد به کارگر می سپرد از.

بنابر این دستمزدی که پرولتاریا در ازای کار طاقت فرسای روزانه دریافت میدارد در واقع ما حاصل بخشی از نیروی کار خود اوست و بخش اعظم نیروی کار کارگران بصورت ارزش اضافی و بعنوان سود سرمایه نصیب سرمایه دار میگرد. در روند تولید پرولتاریا برای آنکه بر میزان سود سرمایه بیزاید، از سویی بر شدت کار و مدت کاری افزایش و از سویی دیگر با استفاده از تکنولوژی پیشرفته تر ارزش اضافی را فزونی می بخشد و در عین حال به احکام مختلف از حقوق و مزایای کارگران میکاهد. بالاخص در بحرانهای اقتصادی و در شرایط گسترش بیکاری این زمینه برای سرمایه داران فراهم میگردد تا در بدترین شرایط و کمترین دستمزد به استخدام بپردازند. در تمامی جوامع طبقاتی کلیه قوانین و مقرراتی که از سوی دولت وضع میگردد مضمون حمایت از طبقات استثمارگر را خواهد داشت و هیچ استثنائی نیز متصور نیست و هیچگاه صاحبان سرمایه بر احتی حاضر به تقویض امتیاز کارگران نشده اند. تنها مبارزات پرولتاریا برای احقاق حقوق باعمال شده آنان قادر بوده است سرمایه داران را - وادگر بعقب نشینی نماید.

پیش نویس قانون کار رژیم جمهوری اسلامی نیز نمیتواند در خطوط کلی از قوانین حاکم بر نظام سرمایه داری - مبتنی باشد الا اینکه بدلیل ماهیت ارتجاعی رژیم شدت استثمار بر صفتی ارزش مطلق قرار گرفته است و نه ارزش اضافی نسبی. یعنی منبای استثمار بر اساس افزایش ساعات کار

وهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

قانون . . .

بقیه از صفحه ۳

اسلامی این را نیز محول به تصمیم سرمایه دار نمود است :
 ماده ۶۱ - طرفین میتوانند ضمن قرارداد کار علاوه بر اجرت معین به منظور بالا بردن سطح کمی و کیفی محصول یا کار به هر صورت ممکن یادداشتی یا غیرتندی تعیین کنند .
 ماده ۶۲ - کارکنان برتنها استحقاق دریافت اجرت قرارداد داشته و در سود و زیان کارگاه سهمی ندارند ، لیکن هرگاه در ضمن قرارداد کار شرط کنند ، کارکنان بر علاوه بر دریافت اجرت در بخش سهمینی از سود کارگاه سهمیم باشند ، شرط صحیح است .

طبق پیش نویس قانون کارحتسبی حقوقی را که کارگران در سطح بین المللی طی سالها مبارزه چنگ آوردند و حتی قوانین رژیم گذشته نیز ملزم به رعایت آنها بود ، از قلم افتاده است و طبق معمول این نیز به صاحب کار محول گشته است :

ماده ۲۲ - کارکنان بر میتوانند ضمن قرارداد با صاحب کار شرط نمایند که امر از نظر عمر ، بیماری ، حوادث و از کار افتادگی و بازنشستگی و غیره بیمه نمایند . طبیعی است که در وضعیت کنونی که بیکاری پیدا میکند ، جناب سرمایه دار با اخراجات دسته جمعی استفاده امهای جدید و کوتاه مدت ، تمامی این ماده را منقضی میسازد و رژیم حامی سرمایه داران نیز این حق را به او داده است . کما اینکه روابط عمومی وزارت کار در پاسخ یکی از نشریات رژیم که از ترس کارگران مجبور به موضع گیری در مورد تامین اجتماعی کارگران شده است ، میگوید :

"اما چاره اصلی مسئله تامین اجتماعی بانه لفظ اسلامی تر تکافل اجتماعی که از ارکان عدالت اجتماعی اسلامی است چیزی دیگری است . مسئله تکافل اجتماعی یعنی کفالت فقرا - مساکین و از کار افتادگان ، کم در آمد ها ، بیماران و . . . از وظایف همه مسلمین و دولت اسلامی است یعنی در سیستم حکومت اسلامی تامین اجتماعی و بعد دارد . بعد مردمی و بعد دولتی . یا در بعد مردمی آن با رجوع به باب نفقات و زکوات و سایر ابواب فقهی بخوبی معلوم میشود که تامین اجتماعی نیازمند آن ابتدا تا بعد همه کسانی ."

از خویشان است و اگر آنان قادر نبودند (اینجا بعد حکومتی تامین اجتماعی مطرح است) . . . و غالب است در شیوه مردمی که از بنیان با فرهنگ حاکم بر تامین اجتماعی بسبک غربی و شرقی متفاوت است در قیاموارد مختلف آن با جزئیات در احکام فقه بیان شده . . . (جمهوری اسلامی ۱۴ / ۱۰)

و اما تنها لطفی که در پیش نویس قانون کار مشمول کارگران شده ، حقوق ناها را خوردن است : کارمند یا کارگری که استخدام میشود تا طی مدت معین شده تنها برای استخدام کننده کار کند ، جایز نیست که در آن مدت برای خود یا برای دیگری کار کند ، مگر در برخی از کارهای جزئی که منافاتی با قرارداد استخدام نداشته باشد ، مانند صرف ناها . (تحریر الوسیله ،

رساله نوبین خمینی صفحه ۱۵) باید به این حامیان در روئین مستضعفان فهماند که صرف ناها جزئی از حقوق حیات هر فرد است ، حال چه شما اجازه فرمائید و چه نفرمائید . در همین رابطه در ماده ۳۴ آمده است که : "اوقات استراحت ، صرف غذا و . . . در صورت عدم تعیین در قرارداد بر اساس عرف معمول که عرف معمول نیز تلویحا مفهوم تمایل سرمایه دار یا کارفرما میباشد ، تعیین میشود ."

فصل هشتم قانون کار به حفاظت فنی و بهداشت محیط کار اختصاص یافته است . در ماده ۸۰ پیش نویس جدید آمده است : "صاحبان کار مکلفند مقررات مربوط به بهداشت کار و حفاظت کارکنان در محیط کار را در کارگاههای خود بموقع اجرا گذارند . " بظاهر تصور میشود که لا اقل سلامت کارگران در نظر گرفته شده ، اما در ماده ۸۱ ، تشکیل کمیته ای را جهت تدوین این مقررات توصیه میکنند که خود سرمایه دار این کمیته را تعیین مینماید و طبیعی است که چاقود ستهاش را نمی برد و پیش و قیچی هر دو در دست سرمایه دار است .

اگر به بند بند این پیش نویس اعم از پیش نویس اولیه که از کتب "ایات عظام" استخراج شده و وجه پیش نویس جدید که با تغییرات ظاهری بچاپ رسیده توجه کنیم ، حمایت آشکار و همه جانبه ای از سرمایه داران را بوضوح مشاهده خواهیم کرد . رژیم جمهوری اسلامی با ارائه چنین قوانینی سعی دارد به تمامی سرمایه های سرگردان و تمامی سرمایه داران فراری باج دهد تا بلکه تحت حمایت همه جانبه اش - حاضر به راه اندازی چرخ صنعت شوند و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را از بقیه در صفحه ۱۱

یادداشت های

اومصیبتی عظام برای وی و تمامی سردمداران رژیم است بیاد آنان می آورد . و اما فرستجانی که در این دیدار بازندگشته است و حتی امتیازات بدست آمده از سوی ولایت فقیه یعنی توسل به احکام ثانویه را نیز از دست رفته می یابد در توجیه اختلافات فی مابین مجلس شورای نگهبان میگوید : "مجلس شورای اسلامی برای حل مشکلات فراوانی که دوران طاغوت برای این جامعه گذاشته و در بسیاری موارد ، خود را ملزم میدید که متوسل به احکام ثانویه شود و شورای نگهبان برای ادای وظیفه مهمی باسد آری از قانون اساسی و شرع مقدس اسلام خود را موظف میدید که حتی الامکان احکام اولیه اسلام مورد تعرض و خدشه قرار نگیرد ، در تشخیص ضرورت گاهی به مشکل میرسیدیم . . . (گویان ه پنجم) و باین ترتیب تلاش میکند تا عمق اختلافات را در حد برداشته ای متفاوت از احکام اسلام جلوه دهد . اما واقعیت اینست که با تشدید بحران اقتصادی و گسترش و حدت یابی تضاد های طبقاتی و رشد روز افزون نارضایتی توده ها ، جناح های مختلف حاکمیت بنا بر موضوع طبقاتی خود راه حل های متفاوتی را جهت برون رفت رژیم از بحران همه جانبه و نجات حاکمیت از سقوط محتوم توصیه میکنند و طبیعی است که جناحهای درگیر درون حاکمیت در امر سرکوب توده ها و وحدت نظر و عمل دارند و اختلافات موجود نیز در چهارچوب تضاد های جناحهای مختلف بورژوازی بوده و مضمون این اختلافات از این زاویه است که هر یک از جناحها راه حل های برون رفت از بحران موجود را در شیوه های متفاوتی جستجو میکنند . و حال آنکه هدف همه آنها حفظ حاکمیت موجود و حراست از سیستم بورژوازی کنونی است . هر یک از جناحهای متخاصم دیگری را متهم به بی لیاقتی و نداشتن کارایی کرده و هر یک دیگری را عامل ناپسامانیهای موجود قلمداد میکند . اگر مجلس دست به تصویب یک سلسله لوایحی نظیر بند "ج" و "د" و یاد دلتی شدن تجارت خارجی و محدودیت مالکیت میزند و با اصطلاح خواستار برخی رفرمهای بورژوازی است در قیقا از این زاویه حرکت میکند که حفظ و تدوین سیستم را در این رفرمها میبیند و شورای نگهبان که اینگونه مصویات را مردود اعلام میکند از این بقیه در صفحه ۱۱



پورسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۱

واخراج ، مخالفت با مزدوران انجمن ورد انتخابات فرمایشی ، بدترتیب از درصد بالا تری برخوردار بود هاند . اما ، در شش ماهه اول سال ۱۳۶۱ درصد خواستهای سیاسی نسبت به گذشته براتب بیشتر و نزدیک به در صد خواستهای صنفی میشود ، در حالی که خواستهای صنفی همچنان رقم بالاتری را نشان میدهند . در این مقطع موارد زیادی خواستهای صنفی جزئی تر از آنچه در جلد اول آمد مطرح شده هاند ، ولی از آنجا که مبارزه حول آنها به حرکات اعتراضی مشخص نیانجامید هودر چند روزه موضوع باقی مانده هاند ، از برداختن به آنها خودداری میکنیم و به تشریح چهار مورد فوق الذکر میپردازیم .

۱- جلوگیری از کاهش دستمزد و مزایا و مقابله با سختی و شدت کار . . . : الف - جلوگیری از کاهش دستمزد و مزایا : علاوه بر تورم موجود و افزایش سرسام آور و مستمر قیمتها ، دولت از هر طریق میکوشد تا هر چه بیشتر درآمد کارگران و کارمندان را کاهش دهد و به عناوین مختلف ، کمک به جنگ زدگان ، حساب . . . امام و . . . جیب آنها را خالی کند ، حتی در مواردی با استفاده از سلاح سرکوب مستقیماً حقوقها را کاهش میدهد و بسیاری از کمک خرجی ها را که به عنوان کوناگون (سود ویژه ، عیدی ، پاداش ، حق اولاد ، کمک هزینه ، حق خواربار ، مهد کودک و . . .) به آنها تعلق میگیرد ، قطع کرده یا کاهش داده است . در بهمن ماه ۶۰ در گزارشی از شرکت نفت کرمانشاه آمده است : "حقوق کارگران شرکت نفت کم شده در مورد علت آن مسئولین پاسخ میدهند که بودجه دولت کم است و از این پس کرایه منزل و حق کارگاہی نیز ممکن است برداخت نشود . همچنین شایع است که حق جیره خواربار هم قطع خواهد شد . در بسیاری از کارخانجات و همچنین ادارات ، مهد کودک تعطیل شده یا قرار شده است که بخش عمده هزینه آنرا که گاهی به ۷۰۰ تومان میرسد خود مادران بدهند . حق اضافه کاری یا کاهش یافته یا به زور برداخت میشود . در شرکت واحد رانندگان بعدت کمی حقوق و قطع مزایایی در پی استعفا میدهند و تعداد مستعفی ها روز بروز زیادتر میشود . " افزایش مستمر قیمتها ، تلاش رژیم برای انداختن بار بحران

برداشت کارگران از طریق کاهش دستمزد و مزایای آنها و افزایش قیمت خدمات مثل بهای برق و آب باعث شده هیش از پیش دستمزد واقعی کاهش یابد که این کاهش دستمزد در درگاهش قدرت خرید آنان مستقیماً تجلی می یابد . در جزوه مدییران کارخانجات که جمع بندی سمنینار بررسی مسائل صنایع کشور در شهریور ۶۱ است در این رابطه آمده است : . . . طبقه شایسته درآمد جامعه یعنی صاحبان پس اندازها ، بازنشستگان و حقوق بگیران در دوره ۶۰-۱۳۵۶ حدود ۷۰٪ قدرت خرید خود را از دست داده هاند و در صورت عدم اجرا برنامه های مبارزه با تورم باید در انتظار سختی معیشت بیشتری باشند . بگذریم از اینکه کاهش قدرت خرید بسیار بیشتر از ۷۰٪ است و روز بروز نیز بیشتر میشود . کارگری از تولید دارو میگفت " روز بروز وضع خرابتر میشود هر روز قیمت جنسها بالا تر می رود کم کم دیگر هیچ چیزی نمیتوانیم با این حقوق خریدیم . افزایش دستمزدی هم که گاهی از سوی رژیم صورت میگیرد قادر نیست توهمی در کارگران ایجاد کند . مثلاً در پی افزایش دستمزد ها بمیزان ۶ الی ده درصد در بهار سال ۶۱ در گزارشی از واحد کارگران میگویند : " این چند درصدی که میخواهند حقوقها را اضافه کنند با سطح زندگی بهیچ وجه درست در نمی آید . چرا حقوق بنده ۷۰ تومان باشد ولی سطح زندگی بالای ۱۰۰ تومان قرار گرفته باشد . البته لازم به تذکر است که آن ۷ یا ۱۰ درصد افزایش دستمزد فوق الذکر بهنگامی که در کنار تقلیل یا حذف بسیاری از مزایا و کمک هزینه ها و . . . و به همراه تورم روز افزون ، مایحتاج کارگران که گاه بیش از ۱۰۰٪ افزایش قیمت داشته اند مورد محاسبه قرار گیرد ، بیانگر کاهش شدید قدرت خرید کارگران خواهد بود ، خواستهای کارگران در زمینه دستمزد بدین ترتیب عمدتاً حول جلوگیری از تقلیل یا حذف کمک خرجی ها و مزایا مخالفت با کاهش مجموعه دستمزدشان است و با توجه به هجوم سرمایه داران و دولت حامی آنها به دستمزد و مزایای موجود کارگران و کارمندان حتی مبارزه آنها برای افزایش دستمزد جنبه وسیعی بخود نگرفته و در همان حد جلوگیری از کاهش دستمزد و مزایا باقی مانده است .

ب - مقابله با سختی و شدت کار و

جلوگیری از افزایش ساعات کار : سرمایه داران رژیم حامی آنها از یک سوبه شیوه های کوناگون حقوق و مزایای کارگران را کاهش میدهند و از سوی دیگر با افزایش شدت کار ، اضافه کاری ، لغو تعطیلات پنجشنبه ها و . . . ساعات کار را نیز مستحق افزایش میدهند و بدین طریق استثمار کارگران را بصورت وحشتناکی تشدید کرده اند . قسمتی از گزارش مرد ارد ماه کارخانه ایران ناسیونال در رابطه با افزایش سرسام آور شدت کار ، خود بیانده که کفایت تولید از ۳۵ دستگاه به ۱۲۰ دستگاه در روز افزایش یافته . . . کارگران یک قسمت و شیفیت شدند یعنی کارگران در شیفت روز کاری با ۴۰ کارگر تولید روزانه ۴۰ اسیلند میدادند با و شیفیت شدن در هر شیفت باید ۱۳ نفری ، ۲۰ عدد بدهند ، بطوریکه برخی از کارگران یک نفره باید با ۲ دستگاه کار کنند ، یاد گزارش دیگری آمده است : " در اشر فشار کار و خاموش نکردن دستگاه ها ، استهلاک ماشینها زیاد تر شده است و قطعات یدکی موجود روبه اتمام است . " در پنجاه ۳ تن از زنان کارگر که برای عوض کردن هوا چند دقیقه از محل کارشان بیرون میروند طی بخشنامه ای یک روز تنبیه حقوق شده و مواخذه میشوند . در بسیاری از کارخانجات مدت زمان صرف صحانه و ناهار را به یک سوم یا نصف کاهش داده و یا وقت صحانه را حذف کرده اند و از مدت زمان استراحت به طرق مختلف کاسته اند . در بارش الکتریکی چند کارگر را مجبور کردند تا وقتهای استراحت و نماز را برای کار استفاده کنند و گر نه اخراج میشوند . علاوه بر اینها هر جا که امکان داشته رژیم ساعات کار را با معطه افزایش تولید یا در غیر اینصورت تحت فشار مستقیم افزایش داده است و میکوشد تعطیلاتی پنجشنبه را بهر طریق ممکن لغو کند . در اردیبهشت ماه ۶۱ در ایران ناسیونال ، وزیر صنایع بخشنامه ای داده و تعطیلات پنجشنبه را ملغی میسازد . در اطلاعیه ای در یکی از کارخانجات صنایع استراتژیک آمده است : " کارگران پنجشنبه ها و جمعه ها حتماً باید سر کار حاضر باشند ، در صورت تخمیت ۲ روز حقوق آنها کسر خواهد شد . " در مجموع بطرق کوناگون ساعات کار را افزایش داده هاند ، بطوریکه در اکثر کارخانجات اسماً ۸ ساعت کار در روز می باشد بقیه در صفحه ۶

هر چه گسند ده ت ناد اتحاد عمال ، نه های مترق ، و انقلاب

اما با احتساب افزایش ساعت وسختی کاریش از ۹ ساعت فروری و ۵ ساعت در هفته که کار میکنند. در مقابل این فشارها کارگران با شیبه‌های مختلف مقاومت و مبارزه کرده‌اند که نمونه‌های برجسته آن در جداول آمده است. مسأله‌ای که در این رابطه مبارزات حول آنها در سرتی، کاهش شدت وسختی کار، جلوگیری از افزایش ساعات کار، جلوگیری از فوت تعطیلی‌ها، جلوگیری از حذف وقت استراحت و... است که همه اجزاء مختلفی از یک خواست کلی تربیتی کاهش ساعات کار می‌باشند.

۲- جلوگیری از اخراج و دستگیری از ۳ خرداد بعد موج اخراج و دستگیری کارخانجات و ادارات را فراگیری کرد. این موج بقدری گسترده است که فقط در طول یکسال گذشته بیش از ۶۰۰۰ کارگر را شامل می‌شود (از کارمندان ادارات قیفی در دست نیست). از این تعداد در صد بالا با اخراجیون است. کلیه پیشروان جنبش کارگری در صورت کمترین شک

اخراج شده‌اند و توده کارگران و کارمندان عادی به دلایل مختلف و با بهانه‌های بسیار جزئی از این بلا در امان نبودند. البته کسانی که به دلایل عمدتاً سیاسی اخراج شده‌اند مانند فعالین سیاسی، نمایندگان سرتی، پیشروان حرکات اعتراضی معترضین آگاه، به نسبت تعداد کل اخراجیون در اقلیت می‌باشند. اکثریت با کسانی است که به علت تعطیل یا حذف ساعات کار در نتیجه کاهش نیروی کار، استخدام جدید در جهت پرانند کردن کارگران قدیمی و در نتیجه تجزیه تشکلهای سابق و... اخراج شده‌اند که یا مستقیماً ازاد شناخته شده یا از خرید شده‌اند و یا به آنها انگه‌های مختلف ضد رژیم، اخلال گری، طاغوتی و عداوت زده‌اند. اما در مجموع چه بین کارگران، چه بین کارمندان، هر کس که اخراج می‌شود سیاسی شناخته شده می‌شود. اکثریت مردم اخراجیون را سیاسی دانسته‌اند و نفرت از حاکمیت همه آنها را با شرف و انقلابی میدانند (مگر در مواردی که فرد اخراجی از طرفداران رژیم باشد که به علت خاصی اخراج گریبان‌نور گرفته است). کارگری در همین رابطه می‌گفت: «اخراجی‌ها انسانهای انقلابی هستند که در این شرایط مبارزه کرده‌اند، روزی

بررسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۵

نوبت آنها خواهد شد.

در بررسی روند کمی و کیفی اخراج و دستگیری پس از ۳ خرداد، قابل توجه است که در تابستان ۶۰ یورش رژیم عمدتاً شامل فعالین سیاسی است. در این مقطع موج دستگیری بر موج اخراج غلبه دارد. از این مقطع بعد موج دستگیری نسبتاً کاهش می‌یابد اما موج اخراج گسترش یافته و به کارگران رادبر می‌گردد، سیاسی، پیشرو و عقب مانده همه در این موج غرق می‌شوند و جو عدم امنیت شغلی بر تمامی موسسات کارخانجات و واحدهای دولتی و غیر دولتی حاکم می‌گردد. در حالی که بسیاری از آنها می‌شوند، وحشت از اخراج چنان گسترش می‌یابد که تهدید به اخراج و اخراج شکل عمدتاً سرکوب می‌شود و سلاح اخراج، برندترین و عمومی‌ترین سلاح سرکوب طبقه حاکم علیه مردم بکیران ثابت می‌شود. در این جهت ماده ۳۳ قانون شایسته‌های جماعت کارفرمایان و مدبران می‌باشد. در مقابل این سلاح افشار کارمندی سرعت عیب می‌بینند و کمتر مقاومت و اعتراض می‌کنند، اما کارگران در غالب موارد فعالانه برخورد کرده‌اند و حرکات اعتراضی داشته‌اند (با شدت و ضعف) اما علت ضعف پیشرو و عدم سازماندهی حرکات اعتراضی، وجود رقابت بر سر اشتغال در بین کارگران، ترس از اخراج و احساس ضعف، کمتر موفق بوده‌اند. حرکات مقطعی بوده و سریعاً با اخراج عده دیگری فروخورده است. شش ماهه اول سال ۶۱ با تغییر و تحولی در این جو همراه است، هر چند که عدم امنیت شغلی همچنان بعنوان یکی از مهمترین مشکلات کارگری و کارمندی باقی می‌ماند. اما احساس ضعف کاهش می‌یابد و ترس از اخراج در مقایسه با مقطع قبل افت می‌کند. اخراجهای سرتی چنان گسترده و همه‌گیر می‌شود که حتی افشار عقب مانده و حزب اللهی را نیز شامل می‌شود و صدای اعتراضی آنها را نیز می‌انگیزد. در بررسی و پاسخ نمایندگان شوراهای انجمنهای اسلامی با وزیر کار یکی از کارگران می‌گوید: «... کارگران حزب اللهی را اخراج می‌کنند بدون

اینکه آنها بول بول می‌کنند یا دولت برای آنها ضروری تعیین کند. زن و فرزندان، همسایه‌ها، گردانند، زندگی آنها چگونه باید تامین شود؟ (کیهان ۱۸/۸/۶۱) و اینکه «اخراج مشتری است نه پای هر خانه می‌جوید و فرد انوبت ماست». این مسئله روحیه همدردی و همبستگی را بیش از پیش گسترش می‌دهد. در گزارشی از راه آهن آمده است: «وقتی یکی از کارگران اخراجی به کارخانه می‌آید، کارگران بدون ترس از مدبران یا خبرچینان به او در آنها حلقه می‌زنند و مانند پروانه در آنها می‌گردند و وسایلی که هستند که حرفهای رفقای اخراجی خود را بشنوند». این روحیه همبستگی و همدردی، مبارزه برای بازگشت اخراجیون و جلوگیری از اخراج و دستگیری را گسترش می‌دهد. به نظر می‌رسد وزیر کار هم مجبور می‌شود - البته در لغافه ماده ۳۳ - به آن اذعان نماید: «کارفرمایان طبق ماده ۳۳ قدیم کارگران را اخراج نمی‌کنند و از طرفی هم اکنون همه اعتراضات روی ماده ۳۳ است». (کیهان - ۲۴/۸/۶۱)

مبارزات کارگران در این رابطه در نیمسال اول سال ۶۱ به نسبت نیمسال دوم ۶۰، افزایش می‌یابد. گسترش مبارزات، اما از موج اخراج و دستگیری نمی‌گردد، چرا که رژیم با استفاده از ارتش عظیم و خیره‌کار مستران نیروی کار را با نیروی جدید الاستخدام تعویض می‌کند. مبارزات پراکنده نیز بی‌دردی به اخراج عده دیگری می‌انجامد. نکته قابل توجه اینست که، خواسته‌های جلوگیری از اخراج و دستگیری و بازگشت اخراجیون و زندانیان اگر چه سیاسی هستند اما در محدود صنفی باقی می‌ماند کارگران خواهان بازگشت اخراجی کارخانه خود یا خواهان آزادی همکار خود می‌شوند، اما هیچ موردی گزارش نشده است که بازگشت اخراجیون یا آزادی زندانیان سیاسی در کل مطرح شده باشد. هم از این روست که علیرغم اینکه این خواسته‌ها سیاسی هستند اما مبارزاتی که حول آنها صورت می‌گیرد، به علت اینکه صرفاً ظرفیت بسیج کارگران یا کارکنان یک واحد و یا یک صنف را دارد، صرفاً سیاسی نبود بلکه ترکیبی از مبارزات سیاسی - اقتصادی هستند. از این گذشته ردهمان محدود و کارخانه یا واحد مورد نظر هم این خواسته‌ها، کارگران اخراجی و زندانی ماههای گذشته را شامل نمی‌شود. اخراج و دستگیری یک یا چند همکار در لحظه دیگر را

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتقاد عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

به مقاومت و مبارزه برمی انگیزد اما وقتی مبارزه موفقیت نصیب شد و چون مدتی ازان میگذرد، خواست نیز مشمول هر روزمان میشود و مبارزات در این راه به شکل پیوسته و عمومی صورت نمیگردد. در مهرماه ۶۰ در استار لایت وقتی مبارزه برای بازگرداندن عمکار اخراجی به اخراج ۵۸ نفر دیگر منحصر میشود، حرکت بی پایان میرسد. حرکت ۶۶ ارباب در اعتراض به سختی کار شکل میگردد و اعتماد و تجمع بعدی برای بازگرداندن ۶۶ کارگر اخراجی صورت میگردد که در جریان همان حرکت اعتراضی ۱۶ ارباب اخراج شده اند و ۵۸ نفر اخراجی مهرماه جز خولست های این حرکت منظور نمیشود. این مسئله از یکسو نشان میدهد مسطح کنونی مبارزات کارگران و از سوی دیگر بیانگر سیر خود بخودی و ناهماهنگی و عدم ایت شد ه این مبارزات است.

۳- رد انتخابات فرمایشی

۳- خرد اد میامد های آن، باقی ماند ه توهم کارگران رانسبت به شکل های فرمایشی رژیم چون شوراهای انجمنهای اسلامی و انتخابات مربوط. تا اینکه نه ارگانها را از ایل ساخت. در این پروسه کارگران بخوبی ناظر شدند که این ارگانها بعنوان الت خدایی، تقش و تفرقه افکنی و سرکوب در دست سرمایه داران بوده و در تجربه آنها رانفی میکنند. تحریم فعال، یا منفعل انتخابات اینگونه ارگانها بالاخص ازبائیز، ۶۰ و اردسیر تبعیدی خود میشود. مخالفت با انتخابات فرمایشی شوراهای اسلامی انجمنهای اسلامی، هیئت نظارت و... به صورت مختلف در کارخانجات، ادارات، مدارس و روستاها، مشاهده شده و اعتراضهای جمعی را شکل میدهد. از سال ۶۱ تحریم فعال بر تحریم منفعل غلبه میکند و علاوه بر کارگران، سایر اقشار خلق نیز عمدتاً برخوردی فعال به تحریم در اشکال مختلف آن میکنند. در مرداد ماه درگارشسی از فرفره زیاد رایسن رابطه آمده است: "در انتخابات انجمن اسلامی اکثر کارگران شرکت نکردند، حتی کاندیدا هم معرفی نکردند فقط یک نفر خودشان کاندیدا شد. کارگران انتخاب نمایند ه برای جلسات انجمن را انتخاب جاسوس میدانند". البته در مواردی (که نمونه هائی ازان در جداول آمده است) کارگران با معرفی کاندید مستقل یا

مخالفت با هیئت نظارت و... در انتخابات شرکت میکنند اما این موارد نه از جهت قبول انتخابات و تشکلهای حاصل ازان، بلکه عمدتاً بصورت تاکتیکی در مبارزه با انتخابات فرمایشی و اعمال قدرت در مقابل آن است. این نکته قابل تعمق است که شرکت کارگران در انتخابات در این مقطع ماهیتاً با مقاطع قبل بالاخص قبل از ۳۰ خرداد، متفاوت است. کارگران در مقاطع قبل با چشم انداز تصفیه و تصحیح شوراهای موجود، در انتخابات شرکت میکردند، اما در این مقطع آنها معمولاً شیوه تحریم را برمیگزینند آنچاهم که شرکت میکنند با چشم انداز تقی تشکلهای فرمایشی رژیم و اعمال اراده مستقل در مقابل ضد انقلاب حاکم حرکت میکنند.

۴- مخالفت با انجمن اسلامی، اداره حراست (حفاظت) و اختیافی حاکم بر کارخانجات

انجمنهای اسلامی و شوراهای فرمایشی بصورت زائده آنها و اداره حراست (حفاظت) بصورت بازوهای اطلاعاتی - جاسوسی ساوا و اموا و سیا به شد بدترین صورت جواختتاقی و پلیسی را بر کارخانجات و ادارات ومدارس و... حاکم کرده اند. این ارگانهای ارتجاعی با استفاده از حربه های دستگیری، جاسوسی و خبیر جینی، تشکیل بسیج یا کشته مسلح، تقش بدنی، اخراج و پاکسازی در بعد وسیع، کنترل حجاب، فشاره اقلیتهای مذهبی، نماز اجباری و... فضای شدید ایلیمی ایجاد کرده اند. در اغلب دستگیریهای کارگران - بخصوص پس از حوادث ۳۰ خرداد، انجمن و شورای اسلامی در خالت داشته و اکثر یکرغلنا به جاسوسی و خبیر - چینی میبرد ازند. در این میان بیشترین نفرت کارگران متوجه انجمن اسلامی است. آنها کاملاً دریافته اند که انجمن اسلامی در پیوند با مدیریت نقش سرکوب کارگران و دفاع از منافع رژیم را دارد. کارگران نفرت خود را از مزدوران انجمن اسلامی با تسخیر افراد آن، افشاکری در مورد سوابق آنها و له زدن آنها نشان و مخالفت با مراسم فرمایشی و اجباری از قبیل نماز و... نشان میدهند. اداره حفاظت نیز که عمدتاً پس از ۳۰ خرداد بازنمایی شده است و بیشتر در نقش بازوی اطلاعاتی دولت عمل میکند، اگر چه نه باند از انجمن اسلامی اما به حد لازم افشاء شده است. کارگران نفرت

پورسی اشکال...

بقیه از صفحه ۶

خود را از این ارگانها در مجموع بصورت تحریم فعالیتهای آنها، عدم توجه به اطلاعاتها و بخشنامه های آنها و طرد عناصر تشکیل دهنده آنها نشان میدهند. به عبارت دیگر به صورت تدافعی به مبارزه منفی علیه آنها دست میزنند. در گزارشی میخوانیم: "شرکت کارگران در سخنرانیها حتی سخنرانی خزعطس و حتی بسیار محدود بود. انجمن اسلامی مجبور شد درهای ورودی - کارخانه را ببندد تا کارگران راه خروج نداشته باشند و مجبور شوند در سخنرانی شرکت کنند". در مراسم روز کارگر که انجمن اسلامی ترتیب داده بود کارگران شرکت نکردند. خودشان شیرینی خریدند و بخش کردند. در پارس متال: طبق بخشنامه ساعات کار تغییر میکند اما کارگران بدون توجه به بخشنامه کار را طبق ساعات قبلی شروع و به اتمام میرسانند. در بعضی کارخانجات نیز مبارزه برای اخراج عناصر از این ارگانها شکل گرفته است مانند کارگران کفش بلا که در مهرماه ۶۰ خواستار اخراج سرپرست انجمنی میشوند یا کارگران پنها که در پهن ماه اخراج رئیس حفاظت را مطرح میکنند و... از محلات نیز مواردی خلع ید از ازیادی رژیم و نهادهای فرمایشی از توزیع مایحتاج، گزارش شده است. البته هنوز مبارزه منفی در مقابل این ارگانها به نسبت مبارزه برای انحلال این ارگانها بیشتر است. از گزارشات واصله تنها در ۳ مورد، آذرماه ۶۰ در ایران یاسا، تیر ۶۱ در دامپوری سفید رود و صنایع الکتریکی مجتمع البرز، مبارزه مشخص برای انحلال انجمن اسلامی صورت گرفته است.

در تباه قسمت دوم مقاله تحت عنوان: "اشکال مبارزات کارگران و زحمتکشان و شیوه سرکوب سرمایه داران و رژیم حامی آنها" در شماره ۱۶۴ چاپ خواهد رسید.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



وستت . . .

بغیه از صفحه ۲

پیشنهاد ابراز از عمق سطوح سیر حرکت ظاهری این یا آن جریان اجتماعی بیرون کشید ، مارکس به صوح نشان داد که ساد هترین و - حتی ترین عمل هر عنصر یا هر جریان کوچک سیاسی هیچگاه جدا از گرایش طبقاتی درونی این جریانات نیست . او ثابت کرد که هر مبارزه تاریخی در تمامی عرصه ها جز نمود ارکم و بیش روشن مبارزه طبقات جامعه نیست .

این است حقیقت قانونمند مبارزه تاریخی طبقه کارگر که او را بعنوان پیگیر ترین و سازش ناپذیر ترین نیروی انقلاب از دیگر اقشار و طبقات اجتماعی متمایز میسازد . در صورتیکه روشنفکر انقلابی در شرایط خاصی از دست مبارزه طبقات چه بسا خافتن ضایق میشود و صحنه مبارزه را ترک میکند و این در حقیقت بسنگی نام و تمام به هفویت اقتصادی ، اجتماعی این دو بود که متغای نشان از این موفقیت دارد .

مبارزه طبقه کارگر هیچگاه از حوزه عمل اجتماعی اثر از زندگی نوبند یا اثر جدا نیست . از همین رو یک کارگر هیچگاه بود در هیچ شرایطی نمیتواند جدا را منتزع و جدا از کارش تصور کند . او حتی آن زمان که آگاهی طبقاتی می یابد به مبارزه آگاهانه علیه سلطه سرمایه و ستم بورژوازی بر میخیزد از این رو ستم جدا نمی افتد . لکن میگوید :

کشمکشهای اقتصادی سیاسی آنقدر نیکار میشود ، آنقدر متراکم میشود ، آنقدر ترسعه میباید و نندت پیدا میکند تا بصورت مبارزه مسلحانه بیک طرفه طبقه ضیفه بگرد ری آید . کارگر خود تن را با کارش و زندگی مبارزاتی اش ، استثمار میکند و با آن در یک کیفیت آرکانیک قرار میگیرد . از نظر او مبارزه ادامه نندی است ، خود زندگی است . از این رو یک کارگر هیچگاه و در هیچ زمان روی هوا قرار نمیگیرد ، هیچگاه در چار حلال نشود و با اصطلاح ستممند نمیکنند ! ماهمین جا از روشنفکری که در شرایط اصطلاح سخت مبارزه مسئله دار شده است سیرسیم آبا . ۶ ساعت کار یکبواخت هتنگی در یک کارگاه بسندگی آسان است . آیا قابلیت شانه هزی یک کارگر معدن در سختی ، تاریکی مخاطره انگیز نیست ؟ چرا هست با ۱۱ ساعت مبارزه ای امان برای تبدیل ۶ ساعت کار طاقت فدا بیه . ۴ ساعت مراتب آسانتر است . مبارزه برای رعاشی از تید و بند های سرمایه فقط با آسانتر است ، مقاومت سرسختانه در زیر

و جنبانه ترین شکجه ها سرای آزادی از فید بندگی و مبارزه برای بدست گرفتن سرنوشته خویشی مسلما آسانتر است . . . در صورتیکه برای یک روشنفکر خرد بورژواکانه از حوزه عمل فعال اجتماعی ، نه در اد امه براتیک روزمره زندگی تولیدی که صرفا از روی آگاهی به حوزه عمل سیاسی کشیده شده است سختی مفهوم د پتری دارد . او نمیتواند و نباید یاد نیای گذشته - خود (یعنی زندگی غیر فعال) قطع رابطه کند و این قطع ارتباط الزاما نمیتواند عوارض سعی خود را بهمراه ند داشته باشد . بخصوص در شرایطی که رشد مبارزه طبقاتی شرایط بسیار دشواری را ایجاد میکنند و اشکسال پیچیده تری خود میگیرد یاد در شرایطی که سرکوب و اختناق سیاسی با وجود سرمد این عوارض بشکجه های آشکارتری در امگیر پاره ای از این نیروها میشود . مبارزه نامحدود و ممتد است و تسوان طبقاتی خرد بورژوازی محدود .

راه انقلاب راهی بس طولانی است . آنان که به پیروزی زود رس می اندیشند ، زود تر از نفس می افتند . ما تاکنون یاران نمهر آه بسیاری را بر جای نهادیم ، فقط ما تا پایان راه یاران کم نفس دیگری را نیز بر جای خواهیم نهاد .

ما دام که بورژوازی نابود نشده است ، ما دام که تولید کوچک کالایی و اقتصاد خرد وجود دارد ، ستن ناشی از مالکیت خصوصی و گرایش خرد بورژوازی مطمئنا از دیون و بیسرون جنبش کارگری بد آن اسبب حواهند رسانند . اما علیرغم همه این تریزلات و ناپیگیریها که د امگیر این یا آن نیروی خرد بورژوا می شود پرولتاریای انقلابی تنها با پشتیبانی زحمتکشان شهر و روستا با پشتیبانی اقشار بائین و میانی خرد بورژوازی است که قادر خواهد بود قدرت ارتجاع را درهم بکوبد . تنها با این پشتیبانی است که میتواند حقوق و مکرراتیک توده های مردم را در انقلاب کنونی تامین نماید . انقلاب علیرغم همه خیانتهایی که از دیون و بیرون با آن رو برو بوده و ستم سستی بی سابقه ای یافته است . انقلاب باید نیروهای باز هم وسیعتری را در برگیرد . باید تلاش کرد باید از یانایستاد . باید با همه ضعفها و تریزلات فاطمانه به ستیز برخاست . باید نشان داد که پرولتاریا در این مصاف تنها نیست . ما میتوانیم و باید شروعیم خود را با همه شیاری و شکبایی انقلابی ، در مبارزه عظیم انقلابی در امیزیم ، پرولتاریا باید قدرت را بدست گیرد . پرولتاریا باید انقلاب را به سر انجام قطعی اش برساند .

گفتگهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۱۱۲۰۰	نوال - سکه
۱۱۵۰۰	جوهر زمی اسکندر
۲۰۰۰	ر - ۲۵
۲۰۰۰	سکو
۲۰۰۰۰	ن - ۳۲
۱۳۰۰۰	ن - ۴۲۵
۵۰۰۰	ش - ۵۵۵
۵۰۰۰	ش - ۵۵۵
۱۵۰۰۰	سعيد سلطانپور
۱۰۰۰۰	ش - ۸۸۸
۵۰۰۰	پ - ۲۸۲
۳۲۰۰	گروه مسعود
۲ پتوویک اورکت	گروه مسعود
۱۵۰۰	گروه مسعود
۲۰۰۰	۴۲۳ - عوا
	د اران شرق
	زهرا
۲۶۵۰	النگو
	تصحیح وپوزش : در کار ۱۵۹ کد
	ن - ۲۸۳ ، ۵۰۰۰۰ ریال صحیح است .

اطلاعیه

بدینوسیله به اطلاع کلیه رفقای هوادار سازمان میرسانیم : رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور پیش از ضربات اسفند ماه اقدام به انتشار نشریه "جهان" (ارگان هواداران سازمان در رار وپا آمریکا) نمودند و سازمان در نشریه کار ضمن معرفی این نشریه از این اقدام انقلابی رفقا در جهت تبلیغ مواضع سازمان ستایش کرد اما شماره نشریه کاری که به معرفی جهان برداخته بود در ضربات اسفند ماه به تاراج رژیم رفت . پس از ضربات بد نیال و ففای که در انتشار نشریه کار پیش آمد ، کدهای مالی رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور در نشریه جهان بچاپ رسید که مورد تأیید سازمان میباشد . از آنجا که سازمان در جهت بوجود آوردن تشکیلات خارج از کشور اقداماتی بعمل آورده است و در آینده تشکیلات سازمان در خارج از کشور حرکت خواهد نمود بدیهی است تصمیم مقتضی درباره درج کدهای مالی به رفقای تشکیلات خارج از کشور محول میشود و انتشار کدهای مالی در نشریه کار یا نشریه جهان مگول به تصمیم تشکیلات خارج از کشور میباشد . از اینسار رعاعود به خاص از طرف تشکیلات خارج از کشور داده خواهد شد .

کمیته امور مالی و تدارکات سازمان . . .

خطاب به مبلغین ۹

۲- پخش سرویسهای کارخانجات : این شیوه معمولاً برای کارخانه‌هایی که در جلوی درب آنها امکان پخش وجود ندارد استفاده میشود و مختص چند ماه در سال است (در هوای سرد کارگران پنجره‌های سرویس را می‌بندند) فرق این پخش با کارخانه در اینست که این پخش در یک مسیر و نه یک محل مشخص و ثابت صورت میگیرد. سرویسها بطور کلی مسیر مشخص دارند که میتوان با شناسایی مسیر آنها محل‌های مناسبی را برای پخش انتخاب کرد در مورد شناسایی مسیر سرویس باید موارد زیر را در نظر داشت :

۱- درست قبل از نیم خیز شدن رفیق عقب طوری نیم خیز میشود که بتواند از شیشه سرویس و یا از درب آن (اگر باز باشد) اعلامیه‌ها را بداخل سرویس بیندازد. پس از آن سرعت را زیاد کرده و سرویس جلویی و هم‌منطقه‌ای را بترتیب سرویسهای بعدی میرسیم در پخش رعایت نکات زیر کاملاً ضروری است.

۲- با مشاهده مورد مشکوک صبر میکنیم تا از ما سبقت بگیرد و سپس کار را ادامه میدهیم باید توجه داشت در موقع پخش حتی الا مکان پشت سرمان وسیله نقلیه کمتری باشد.

۳- رفیق پخش کننده باید طوری پخش کند که تا حد ممکن بیرون نریزد، دستش را بداخل سرویس نبرد (ممکن است دست او را بگیرند)، اعلامیه‌ها را طوری به سقف اتوبوس بکوبد که در داخل سرویس کاملاً پخش شود و بصورت دسته‌ای نیفتد.

۴- پخش در اتوبوسهای شرکت واحد : این شیوه برای مواقعی است که میخواهیم در حد اقل وقت پخش وسیعی در سطح شهر انجام دهیم. این شکل از عمل چون معمولاً در شلوغترین و زحمتکش‌ترین محلات شهری است برخورد ما را با نیروهای گشتی زیاد میکند و باید حد اکثر مراقبت در موقع پخش بعمل آید و به مجرد دیدن مورد مشکوک در آینه از محیط خارج شده تصفیه‌ناپذیم. پخش اتوبوس تقریباً مانند پخش سرویس است جهت روشن شدن تفاهاتهای مختصر آن بیک گزارش پخش اتوبوس واحد توجه کنید :

مسیر : پشت پارک شهر، میدان سپه، سعدی صبح ۱۰ دقیقه به ۷ بار رفیق در ضلع شمالی پارک شهر قرار داشتیم. وقتی به محل رسیدیم رفیق پیاده سمت شرق میرفت، به او نزدیک شدیم و سوارش کردیم. به آینه نگاه کردیم و ماشین و بیک موتوری عقب می‌آمدند کمی سرعت را کم کردیم تا رد شدند. بعد سرعت را زیاد کرده قبل از توأم السلطنه سه اتوبوس ایستادهبودند که دستای آنها تقریباً پر بود بداخل آنها دستهای ما را پخش کردیم بعد از درب اتوبوس در وصف طولانی بود که در هر یک ه عدد پخش کردیم سپس با سرعت از محل خارج شدیم. در خیابان سپه یک تصفیه کردیم و بعد آن سپه رفتیم در آنجا ایستگاههای زیاد اتوبوس است وارد محوطه شدیم در وصف راه از همه شلوغتر بود انتخاب کردیم و شروع به پخش کردیم جمعا ۷ بسته ۱۰ تایی آنجا پخش شد. سپس سر به محل راترک بقیه در صفحه ۱۰

۱- پخش سرویسهای کارخانجات : این شیوه معمولاً برای کارخانه‌هایی که در جلوی درب آنها امکان پخش وجود ندارد استفاده میشود و مختص چند ماه در سال است (در هوای سرد کارگران پنجره‌های سرویس را می‌بندند) فرق این پخش با کارخانه در اینست که این پخش در یک مسیر و نه یک محل مشخص و ثابت صورت میگیرد. سرویسها بطور کلی مسیر مشخص دارند که میتوان با شناسایی مسیر آنها محل‌های مناسبی را برای پخش انتخاب کرد در مورد شناسایی مسیر سرویس باید موارد زیر را در نظر داشت :

۱- در ساعت تعطیل کارخانه از نزدیک محل کارخانه شروع به تعقیب سرویسها میکنیم این کار را چند روز انجام میدهیم تا تمام مسیرهای آن کارخانه به همراه محل‌های توقف اتوبوسها شناسایی میشود. (اگر رفتی داخل کارخانه مسیرها را در اختیار هسته‌های موتوری قرار دهند بسیار مساعدتر است)

۲- سپس چند مسیر برای پخش انتخاب میشود این مسیرها باید دارای مشخصات زیر باشند : در مسیر کمیته نباشد، مسیرها در خیابانهای شلوغ باشد (که سرویسها نتوانند سریع از محل خارج شوند)، بیشترین تعداد سرویس از آن مسیرها عبور کنند.

۳- پس از انتخاب مسیرها نوبت به شناسایی آنها میرسد. یکبار در موقع که سرویسها در حرکتند بدنبال آنها رفته محل‌های توقف، چراغهای خطر، محل‌های پیاده‌کردن، محل‌هایی که سرعت کم دارند و... را شناسایی میکنیم. بار دیگر در موقع مناسب مسیرهای فرار و خروج از محیط را بررسی میکنیم. سپس به ترسیم کروکی میرود از تمام در و دروکی باید به این موارد توجه شود، محل پخش در حد ممکن در ابتدای مسیر باشد (نزدیک به کارخانه) در غیر اینصورت عدد زیادی از سرویسها پیاده‌شدند و پخش بازدهی خوبی ندارد، در محل کمیته نباشد، سرویس در آنجا کمی معطلی داشته باشد (چراغ قرمز، سربالایی، محل پیاده‌کردن، ترافیک...)، ساعت دقیق رسیدن به محل باید مشخص باشد و گرنه اشکال ایجاد میگردد (معطلی و پارک شدن سرویسها)

۴- پس از رسم دقیق کروکی منطبق با شناسایی کامل و تعیین محل‌های پخش آنرا در هسته مطرح کردیم. محل‌ها و مسیرها را به تصویب هسته و رفیق مسئول میرسانیم.

پس از این عمل به پخش اقدام میکنیم. پخش به این صورت است که در زمان رسیدن سرویسها در محل حاضر میشویم و به تعقیب سرویسها میرود از هم با سرعت زیاد به کنار آنها میرسیم سرعت خود را با



خطاب ...

بقیه از صفحه ۹

کردیم. در همین پخش مرد ۳ ساله‌ای سوار بر موتور و سیاه رگوشه میدان ایستاد. بعد وقتی از جلوی او رد شدیم نگاهش به ما و نگاهش به اعلامیه‌ها انداخت اما اصلاً متوجه نشد. چماق‌افشانان (چون کل پخش در میدان کمتر از ۱۰ ثانیه طول کشید) اعلامیه‌ها تمام شد در لاله زار و سعدی تصفیه کردیم. کل پخش با تصفیه ۱۲ دقیقه طول کشید.

۴- پخش در مردارس: بعلمت نبودن افراد مسلح بسیار آسانتر است. ابتدا آمد ریسرا مشخص کرد سپس راههای ورود و خروج آنها شناختن و سپس کرد ساعت دقیق تعطیل مدرسه را پیدا می‌کنیم. پخش باید حدود ۵ دقیقه پس از خوردن زنگ مدرسه انجام شود. اگر ساعت عمل زود باشد امکان باره کردن اعلامیه‌ها توسط دربان وجود دارد و اگر دیر باشد دانش آموزان بسیاری رفته‌اند. پس از تعیین روز پخش (و مسلماً پس از شناسایی و رسم و تصویب گروهی) حدود ۳ دقیقه قبل از پخش رفقاً در نزد یکی محل یکدیگر را می‌بینند (رفیق پیاده اعلامیه‌ها را حمل می‌کند و رفیق موتور سوار شناسایی نهایی را انجام می‌دهد). اگر مدرسه مورد نظر در کوچه فرار آید می‌توان اعلامیه‌ها را بصورت افتخار به هوا پرتاب کرد. در غیر این صورت بهتر است آنها را در شلوغترین وقت تجمع آرام در گوشه‌ای بیندازیم تا دانش آموزان آنها را ببینند. ضرورت این عمل در اینست که پخش هر چه پوشیده‌تر باشد احتمال خطر کمتر است.

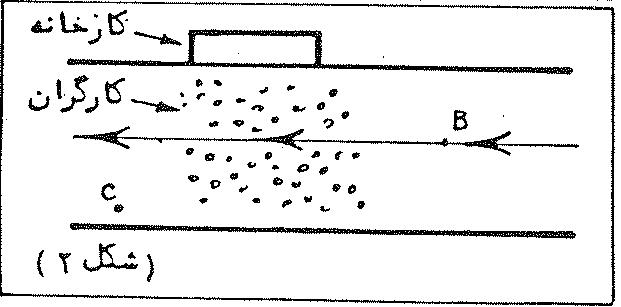
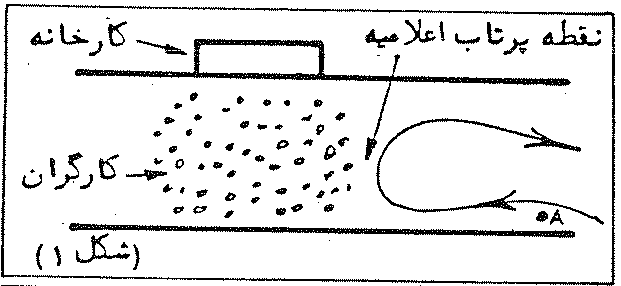
رفقا! وقت کنید که حد و حد بیست متر ماندن هم محل پخش رفیق عقب شروع به میروند آوردن اعلامیه‌ها بکنند تا در موقع پخش دچار معطلی و اشکال نشوند. برای بسته‌بندی اعلامیه‌ها بخصوص در پخش سرویس و اتوبوس عموماً هر ۱ اعلامیه تا خوردن را لای یک اعلامیه دیگر می‌گذاریم و بسته‌های ۱۶ عددی ایجاد شده هر آنگاه هم در پاکت یا هر پوشش دیگر قرار می‌دهیم تا براحتی بتوانیم آنها را خارج کنیم.

موارد دیگر پخش موتوری: به غیر از مواردی که توضیح داده شد موارد گوناگونی از پخش موتوری وجود دارد که بستگی به خلاقیت و ابتکار رفقا دارد. مثلاً پخش در صفهای خواروبار، جلوی سینماها، محل تجمع کارگران بیکار و... مثلاً وقتی از رفقای موتوری مقداری اعلامیه را از لای پل سید خندان به پائین ریخته بودند که برد بسیاری داشته است.

علاوه بر توضیحاتی که از جزوه پخش موتوری نقل شد باید در مورد این شیوه توزیع نیز به حمایت مسلحانه اشاره نمود. در این رابطه در صورت وجود تیمهای و نفره پخش موتوری میتوان در وهله اول رفیق عقب را به سلاح گمری و احیاناً نارنجک مسلح نمود و در صورت دسترسی رفیق راننده را نیز به سلاح گمری و نارنجک مسلح کرد. استفاده از

سلاح در این شرایط تنها در صورت برخورد سه گشت و با وجود تعقیب مسلحانه صورت میگیرد و همواره در صورت امکان خروج از محیط از رهبری اجتناب مینماییم. اما شکل پیشرفته‌تر عمل توسط یک تیم چهار نفره انجام میشود. که در حقیقت عبارت است از یک تیم و نفره توزیع موتوری و یک تیم و نفره موتور سوار جهت حمایت مسلحانه تیم دوم در این شرایط به سلاح گمری و نارنجک و در شکل پیشرفته جهت پخش های بسیار حساس و - ضربتی به یوزی مسلح میباشد. در این شیوه تیم دوم در فاصله‌ای که کاملاً بر موتور اول مسلط باشد آنرا تعقیب میکند و مسئولیت حفاظت از رفقا را عهده دار است این عمل در پخش سرویس و اتوبوس براحتی قابل اجراست در مورد کارخانه و مدرسه چون پس از پخش اعلامیه‌ها جمعیت حاضر در محیط حساس میشود عبور موتوری در پیرامون جمعیت

ممکن است تولید خطر نماید از اینرو باید کوشید یا گروهی پخش طوری تعبیه شود که مسیر پخش گردد باشد (شکل ۱) در این صورت موتور محافظ در نقطه A مستقر است و پس از پخش به تعقیب موتور توزیع میبرد آید. و یا در صورت عدم امکان (شکل ۲) در قسمت B موتور محافظ از موتور پخش جلو میزند و در نقطه C مستقر میشود در عین توجه به محیط پخش پس از اتمام پخش در عقبه مسیر موتور را محافظت مینماید.



در این شکل از محافظت (وجود تیم محافظ) قدرت ابتکار، تسلط بر صحنه، انتخاب لحظه و شکل وارد شدن به درگیری، و قدرت غافلگیر کردن مزدوران بسیار افزایش می‌یابد.

در تمامی اشکال حمایت مسلحانه باید به نکاتی که در حمایت مسلحانه توزیع پیاده ذکر شد توجه کامل گردد.

ما در اینجا با اشکال پیشرفته‌تر عمل چون پخش نیمه‌مغلی مسلحانه، سخنرانی توده‌ای یا حمایت مسلحانه و یا پخشهای ضربتی مسلحانه نمیرد ازیم.



قانون . . .

بقیه از صفحه ۴

بحران عمیق اقتصادی اجتماعی نجات بخشند. اما سرمایه‌داری امنیت می‌دهد و رژیم نیز علیرغم سرکوبها، کشتارها، شکنجه‌ها و موج عظیم دستگیریها قادر نیست جزیره ثبات و امنیت سرمایه‌داری را فراهم سازد. توده‌ها که در تجارت با عطی خود به ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی رژیم پی برده‌اند و طی سالها مبارزه تجارت گرانیمائی اند وخته‌اند، تسلیم مطامع رژیم نمیشوند و با مبارزات اوج یافته خود سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را نوید میدهند.

مادر رژیم با ارائه جد ولی، به یک مقایسه‌ای از حقوق کارگران در رژیم گذشته و پیش نویس کنونی، میرد ازیم و

برنامه عمل سازمان را که کارگران باید در این مرحله از انقلاب حول خواست‌های ارائه شده در آن مبارزه برخیزند ارائه میدهم. طبیعی است تحقق این خواستها تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق امکان‌پذیر خواهد بود. در این رابطه مرفعی هوادار - سازمان باید ضمن افشای بندها - پیش نویس قانون کار با ارائه خواست‌های کارگران مندرج در برنامه عمل، توده‌ها را دعوت به مبارزه حول برنامه عمل سازمان نمایند. این امر میتواند حتی از طریق پخش تراکتهای دست نویس در محیط کار و یاد در محلاتی که کارگران زندگی میکنند صورت گیرد.

یادداشت‌های

بقیه از صفحه ۴

دیدگاه ناشی میشود که معتقد است اگر چنانچه چنین رفرمهایی صورت گیرد رژیم پایگاهش در میان سرمایه‌داران و زمینداران و تجار بزرگ تضعیف شده و سرمایه‌ها امنیت لازم را نخواهند داشت و راه اندازی همه جانبه سیستم سرمایه‌داری وابسته با اشکال مواجه خواهد شد و با نتیجه تدویم حیات رژیم مستلزم دفاع از منافع آنان است حال اگر خمینی در این دعوی قدرت ضمن دعوت جناح‌های متخاصم به سازش، در وجه غالب جانب شورای نگهبان را میگیرد از این جهت است که او نیز ریافته است که کار رژیم از فرم گذشته است و باید برای تدویم حمایت آشکار از سرمایه‌داران و تجار و زمینداران بزرگ برخیزند و این همان سیاستی است که از مدتها پیش رژیم بکار گرفته است و تنها راه نجات خود را نیز در این سیاست یافته است.

جدول مقایسه حقوق کارگران در رژیم گذشته، جمهوری اسلامی و برنامه عمل سازمان

از دیدگاه سازمان ما مندرج در برنامه عمل	رژیم جمهوری اسلامی	رژیم گذشته	حد اقل دستمزد
تعیین حد اقل دستمزد از طریق نمایندگان کارگران و منطقه با سطح هزینه‌های زندگی و هر ۶ ماه یکبار بر اساس هزینه زندگی تعیین مجدد میشود	اصلا تعیین نشده و ماکول به شرایط زمانی و مکانی نامعلوم	حد اقل هزینه یک زن و مرد و فرزند را تکافونگردد	حد اقل دستمزد
۸ ساعت کار و ۴ ساعت در هفته با احتساب ساعت صرف غذا و ایاب و ذهاب جزو ساعات کار	ماکول بقرار داد	۸ ساعت در روز ۴ ساعت در هفته، اوقات صرف غذا و استراحت جزو ساعات کار نیست	مدت کار
دو روز در هفته یکماه در سال مرخصی	یک روز در هفته	یک روز در هفته ۱۲ روز در سال	تعطیلات
مسکن برای همه کارگران - از طریق مصادره مساکن سرمایه‌داران و با از طریق وامهای دولتی - بهداشت و درمان رایگان سرویس عمومی بیمه درمان و بازنشستگی . . .	ماکول به قرار داد و تمایل کارفرما	مسکن در مورد کارخانه‌های بزرگ و سرویس بیمه درمانی محدود	امکانات رفاهی: مسکن - سرویس بهداشت و درمان - بیمه - خدمات و بازنشستگی
کاربرانی همه کارگران و بیمه بیکاری برای کارگران شاغل و بیکار	---	---	حق اشتغال و بیمه بیکاری
حق اعتصاب و اعتراض و تحصن	---	---	حق اعتصاب
کنترل کارگری از طریق شوراها بر تولید و توزیع	---	---	ارگانهای تشکیلی مستقل کارگران و نقش آنها در تولید



بیانیه شرکت کنندگان در کنفرانس آبان ماه ۱۳۶۱ شاخه کردستان

جنبش انقلابی خلق کرد بر سراسر جنبش سراسری خلقهای ایران لحظات حساس و سرنوشت سازی را میگذراند رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پس از عرش وحشیانه و همه جانبه مبارزات کارگران و زحمتکشان و انقلابیون سراسر ایران و با این گمراهی و ستاوردهایی که توده ها در جریان قیام شیک همنند و خونین بهمن ۵۷ بدست آورده بودند و پس از حمله و دشمنانه خود به نیروهای انقلابی، اینک برای تکمیل این سرکوب ها، یورش خود را به کردستان وسیعتر و سازمان نیافته تر نموده است رژیم تصمیم دارد این ستر مبارزه برای آزادی را که تنها سنگرد دفاع مسلحانه از آزادی نه فقط در ایران بلکه در خاور میانه میباشد و تا اثرات سزایی در جنبش سراسری خلقهای ایران وارد را خاموش سازد و حاکمیت تنگن خود را در تمام شئون زندگی اجتماعی مردم کردستان تشییست نماید همچنین رژیم از این یورش وحشیانه این هدف را تعقیب میکند که شدت حربه نیروهای انقلابی سراسری را تا حد و استفاده از مناطق آزاد شده در کردستان را برای نیروهای انقلابی ایران و منطقه غیر ممکن سازد. درک شرایط حساس کردستان از این جهت که این سرکوبها در ارتباط و همسو با سیاست عمده امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم که همانا تعرض همه جانبه به انقلاب در منطقه میباشد، نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا پس از یورش امپریالیسم مبارزات انقلابی خلق فلسطین و لبنان و ... به فیتتهائی که این یورش در پی داشت و تا استهیی از مهم ترین کانونهای انقلابی در منطقه یعنی مبارزه انقلابی خلق فلسطین و لبنان را موفتاد چار شکست نماید و بویژه با فروکش جنبش های انقلابی دیگر منطقه جنبش انقلابی و دمکراتیک خلق کرد بعنوان تنها جنبشی که بطور مسلحانه در سطح منطقه ای مانده و علیه ارتجاع و امپریالیسم مبارزه میکند، دارای اهمیت ویژه ای است که نیروهای انقلابی باید با آن برخوردی جدی داشته باشند.

شرایط کنونی جامعه ایران بنحویست که سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق هشتوز در دستور کار انقلابیون ایران قرار دارد زیرا جامعه ایران در یک دوران انقلابی بود و شکست انقلاب و ضد انقلاب خود ویژگی شرایط کنونیست. از این رو جنبش ملی دمکراتیک خلق کرد در هر وضعیتی که از نظر نظامی قرار گیرد تا هنگامی که جنبش وضعی در جامعه ای ایران حاکم است باید استراتژی خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قرار دهد در همین رابطه و بنا به شرایطی که بطور مشخص در منطقه به وجود آمده باید توجه داشت که در شرایط کنونی امکان دست یابی به مناطقی عمده تحت اشغال رژیم وجود ندارد (مرحله تعرض استراتژیک) ضمن اینکه تن دادن به موضع دفاعی مطلق نیز عدم توجه به چشم اندازهای احتمالی در آینده جنبش میباشد. از این رو نیروهای انقلابی باید خود را به طریقی سازمان دهند که در صورت هر تغییری در موازنه نیروها دچار سردرگمی نشوند. باید در نظر داشت که هرگاه تعرضات رژیم به همین صورت ادامه یابد و سراسر ایران ما شاهد جنبش وسیع توده ای بنام شیسم در کردستان نیز مناطق آزاد شمرده محدود و تر خواهد شد و از این روشگیل عمده جنگ به "جنگ پارتیزانی" تبدیل خواهد شد در چنین حالتی یک در ایران گذار از "تعداد استراتژیک" به "دفاع استراتژیک" بر ستر دوران انقلابیست. بنا بر این تاکتیک ما باید ضمن دفاع فعال و همه جانبه از مناطق آزاد شده، ایجاد واحدهای متحرک پارتیزانی و ضربه زدن به نقاط پشت جبهه و نیز تبدیل نقطه قوتها بر رژیم به نقطه ضعفهایش باشد. همچنین نیروهای انقلابی باید با اتحاد عملهای گسترده در جهت ایجاد هسته های مخفی مقاومت در شهرها و روستاهای تحت اشغال رژیم اقدام نمایند تا ضمن بالا بردن قدرت و کارائی نیروهای انقلاب، با سازماندهی توده های مردم و ایجاد تاکتیکهای مناسب، رژیم را فرسوده تر نمایند تا در شرایط مناسب و در پیوند با جنبش سراسری بتوان تعرضی همه جانبه را علیه همه پایگاهها و مراکز سرکوب و ستم رژیم سازمان داد.

شرکت کنندگان در کنفرانس بر این

در رابطه با این وضعیت کنفرانس آبان ماه شاخه کردستان سجد خا شایسته مشخص کنونی را مورد ارزیابی قرار داد و به یک تحلیل مشخص از شرایط کنونی دست یافت شرکت کنندگان کفایت اعتقاد دارند که

فمن ناشیبات وسیع خود بر جنبش سراسری خودی خود و جنبشهای قادر به سرکوبی رژیم و در ستاسی بشپروزی نخواهد بود از این رو جنبش توده ای سراسری و برپروزی یا شکست جنبش انقلابی خلق کرد تاثیر تعیین کننده ای دارد. بنابراین ما از رفقای سازمان در بخشهای مختلف میخواهیم که اولاً فعالیت خود را در جهت ست سازماندهی مبارزات توده ها و بویژه جنبش طبقه کارگر برای سرنگونی رژیم همچنان پیگیرانه ادامه داد و از هر طریق که میتواند برای رژیم در رابطه با سرکوب خلق کرد، محدودیتها و تنگناها وجود آورند. ثانیا در جهت ایجاد امکانات بیشتر و جلب کمکهای مادی و معنوی مردم سراسر ایران برای جنبش انقلابی خلق کرد و شاختن کردستان سازمان با اقدامات اساسی مبارزات و ورزش. شرکت کنندگان در کنفرانس بر این اعتقادند که در برابر یورش همه جانبه و منسجم نیروهای سرکوبگر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نیروهای جنبش هنوز در برابر انگیزه های مختلف بسر میبرند که از یک طرف رینت در درکهای غلط از جنبش ملی از طرف دیگر نیروهای سراسری و از طرف دیگر در رابطه با گرایشات قدرت طلبانه و تنگ نظرانه نیروهای محلی جنبش خلق کرد میباشد. در این شرایط حساس سرکوبه نیروهای جنبش باید با درک صحیح این وضعیت در جهت اتحاد عملهای انقلابی و حتی فراتر از آن در جهت ایجاد یک "جبهه متحد انقلابی" که در برگیرنده کلیه نیروهای انقلابی حاضر و فعال در جنبش باشد، حرکت نمایند.

- شاخه کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن تأیید سیاست سازمان مبنی بر اولویت دادن به اتحاد عمل با نیروهای سراسری خط ۲ تاکید میکند در کردستان با توجه به وضعیت نیروهای موجود و مسئولیت نیروها و اولویت با نیروها نیست، که نقش تعیین کننده های در جنبش خلق کرد دارند.
- شرکت کنندگان در کنفرانس معتقدند که "جبهه متحد انقلابی" متشکل از تمامی نیروهای انقلابی میتواند وظایف زیر را بعهده بگیرد.
- الف: همکاری و هماهنگی و اتحاد عمل در زمینه دفاع از مناطقی آزاد شد ضریات نظامی در مناطق تحت اشغال رژیم به ارگانهای سرکوب و نیز ایجاد یک ستاد مشترک برای عملیات نظامی
 - ب: ایجاد یک کمیته اطلاعات برای گردآوری کلیه اطلاعات نظامی امنیتی و ... و یکاگیری آنها
 - ج: عملیات نظامی



جنبش

برق آسای بیشمرگان
در لایر به سنگرهای دشمنان خلق هر
که نمکس اله ملی را از آنان سلب کرده
بود و با سقوط بی درستی سنگرهای
سرکوبگران تعداد تلفات آنان بیشتر
میشد. در این اشناک حیدر فرماندهی
که حامل معاون فرمانده پایگاه قوچان و
هدف مزد ورد یگر بود با آتش مسلسل
فرزند آن خلق رو بر گردید و در همان
لحظات اول در و تن از آنان به لاکت
رسید و خود رو در چند قدمی پیشمرگان
از حرکت باز ایستاد. در این لحظات
مسافرین جاد مسقر - بوکان در فاصله ای
نه چند آن روز شاهد حماسه آفرینهای
بیشمرگان در لایر فدائی بودند. قلبهای
آنان برای فرزندانشان، برای فرزندان
که بر چرخ سرخ آزادی آبیاید برقرار
ناله های یخون نشسته گرد ستگان
عمچنان بر افراشته اند می طیبید.
چشمهای در انتظار میدیدند که چگونه
فدائیان خلق دشمن زبون و بزدل را
یکی پس از دیگری بر خاک می افکندند.
فریاد های دشمن شکن و غرش رعد آسای
مسلم های این از جان گذشتگان را
سینیدند و برای آنان از روی پیروزی
میکردند.

لحظات شکوه مندی بود دشمن از
هر سه در محاصره افتاد و مجال حرکت
نمی یافت تا اینکه بعد از مدتی صدای
مسائل کالپیر. ه قوای کمکی مزدوران
رسید اما در یگر بر شد بود و نیروهای
باقی مانده آنان گشته یاز خمی گردید
بدرند و آن تعداد باقی مانده نیز گه
تاب مقاومت داشتند، یکی پس از
دیگری با روحیه ای شکست خورده با
بلند کردن تفنگهایشان تسلیم رفقا
میشدند. در ضمن یک تانکر حامل
نفت رژیم نیز توسط پیشمرگان متوقف
گردید. برف و کولاک مجال انتقال
خود روها و تانکر به غنیمت گرفته شد و
نمیداد و پیشمرگان ناگزیر به آنها درام
آنها شدند.

در حالیکه از پایگاههای دشمن،
منطقه خمماره باران میشد، قوای کمکی
دشمن شکست خورده نیز با دادن
تلفاتی چند مجبور به عقب نشینی
گردید.

رفقای بیشمرگ سرود خوانان و -
استوار تر از همیشه راهی پایگاههای
خود گردیدند و در سر راه مورد استقبال
گرم روستائیان زحمتکش منطقه و مسافرین
راه قرار گرفتند.

بقیه از صفحه ۱۴

آمار خسارات و تلفات وارده به
دشمن به این شرح است:
۳۵ نفر کشته (جسد یکی از به لاکت
رسیدگان متعلق به ستوان سوم
براتی معاون فرمانده پایگاه قوچان،
افسر ارده سیاسی ایدئولوژیست
ژاندارمری بوکان بود)، ۱۵ نفر
زخمی و ۱۱ تن اسیر. اسامی اسرا
بشرح زیر است:
۱- همایون عباس نژاد، ۲- مسعود
سبیلی، ۳- محمد هادی نوچه
۴- علی صفر کوروند، ۵- حمید رضا
سهیل نقشی، ۶- منوچهر بقائی،
۷- علی محمد ترک، ۸- امیر مستوری،
۹- محمد ثابتی، ۱۰- خضبان
حیدری، ۱۱- نور محمد فخری.

خسارات وارده
۱- انهد آم کامل یک دستگاه جیب
فرماندهی. ۲- آسیب رسانیدن به
یک دستگاه زبیل. ۳- انهد آم
یک تانکر نفت متعلق بشرکت نفت

غنا بیدست آمده
۱- تفنگ ژ - ۳، ۲، ۱ قیصه. ۲-
خشاب ژ - ۳، ۲، ۱ عدد. ۳- فشنگ
ژ - ۳، ۲، ۱ عدد. ۴- سر نیزه
ژ - ۳، ۲، ۱ عدد. ۵- بیسیم بی -
آر - سی ۷۷، ۲ دستگاه.

و مقدر زیاد و وسایل و پوشاک نظامی
در این عملیات فقط یکی از رفقای -
بیشمرگ زخمی سطحی برداشت که
خوشبختانه حال وی رو به بهبود است.
برابر آخرین اطلاع واصله دشمن فردای
روز نبرد به روستای سرایورشر برده و
قهوه خانه بین راه و یک دستگاه مینی بوس
و چند اتومبیل شخصی را به آتش
کشید و تا چنین وانمود کنند که این
اعمال زشت توسط پیشمرگان قهرمان
صورت گرفته است غافل از آنکه اینگونه
حربه ها و شیرنگها برای خلق قهرمان
گرد افشا گردید و روحنا رژیم ارتجاعی
رنگی ندارد.

در تکثیر و توزیع آثار
سازمان بکوشید

بیانیه

ج: ایجاد کمیته های مخفی
مقاومت در شهرها و روستاهای تحت
اشغالی رژیم.

د: ایجاد یک کمیته مشترک
تبلیغات برای گسترش تبلیغات و
رساندن صدای جنبش انقلابی خلق
گرد به همه مردم ایران و سراسر جهان.
در این زمینه ضرورت دارد، در صورت
امکان، امکانات رادیویی کلیه نیروها
در یک شبکه رادیویی قدرتمند متمرکز
شود.

ه: ایجاد یک کمیته مشترک روابط
خارجی برای جلب و جذب همکاری
نیروها و کشورهای انقلابی و مترقی سراسر
جهان.

و: ایجاد یک کمیته مشترک
تدارکات برای بسیج همه نیروها و
کمکهای مردم در جهت کمک رسانی به
جبهه های جنگ.

نیروهای انقلابی ورزمنده! اکنون
وقت آن رسیده که از قدرت طلبی ها،
تنگ نظریها و... که تاکنون متأسفانه
در انگیزه های نیروها بود، برهیز نمود
ومتکی بر برنامه انقلابی و برای پاسخی
- گوئی به نیازهای مردم جنبش -
در مکرراتیک خلق کرد دست در دست
یکدیگر علیه رژیم ضد انقلابی جمهوری
اسلامی مبارزه قهرمانانه مردم کردستان
راه راه آزادی و خود مختاری به پیش
ببریم. دشمن ما یکی است،
امپریالیسم و ارتجاع و راه یکی است
و آنها هم مبارزه متحد، یکپارچه و
مصممانه، پس باید برگزینیم راه سخت
و طولانی را و کوتاه کنیم این راه را با
یکپارخونی و خویشتن خویش.

پیروزی مبارزات قهرمانانه خلق
کرد در راه آزادی و خود مختاری

تابود یاد امپریالیسم جهانی
بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه
داخلی

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری مکرراتیک
خلق

شرکت کنندگان در کنفرانس -
ماه شاخه کردستان - سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران
۲۱ آبان ۱۳۶۱

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



جنبش انقلابی خلق کرد

بر اساس رهنمود سازمان مبنی بر ضرورت انتشار نشریات و خبرنامه‌های محلی (مندرج در کار ۱۵۳)، شاخه کردستان سازمان اقدام به انتشار نشریه‌ای محلی بنام ریگای که ل (راه خلق) کرده است. ماضیمن آرزوی توفیق هر چه بیشتر رفقای شاخه در تهیه این نشریه و استمرار انتشار آن، سعی میکنیم تا مهمترین اخبار گزارشات مندرج در آن را در نشریه‌ها منعکس نمائیم. گزارشات زیر نیز به نقل از شماره ۱ (دوره جدید) ریگای گهل از رماه ۶۱ منتشر میگردد.

عملیات جسورانه پیشمرگان قهرمان فدائیان

چند دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از یک جوله در مناطق پشت جبهد شمن در بعد از ظهر روز ۱۴/۹/۶۱ منطقه وسیعی از جاده سقز - بنگان واقع در نزدیکی روستای سرا را به کثرتی خود در آوردند و به کمین مزدوران نشستند.

پس از مدتی گروهی از خود فروختگان که ما مور تأمین جاده کور بودند توسط یک دسته از پیشمرگان جان بر کف فدائی به محاصره درآمدند و به دنبال آن یک خود روزیل که بقصد جمع آوری افراد مذکور آمد بود به کمین افتاد همورا اما جگوله‌های پیشمرگان فرار گرفته و تمامی افراد آن کشته یا زخمی گردیدند و آوای سرودهای انقلابی رفقای پیشمرک همراه با شمارهای مرگ برخمینی، مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی در هم آمیخته شد و به صحنه سرد شکوه جلال خاص داده بود، تهاجم بقعه در صفحه ۱۳



یادداشتهای سیاسی ...

همینگی خود که همانا سازش بخشیدن بین جناحهای مختلف حاکمیت است، اینبار نیز ضمن دعوت از دو جناح متخاصم به صلح، به نحوی زیرکانه، جانب شورای نگهبان را گرفتند و رفسنجانی و سایر نمایندگان را باطاعت از این ارکان دعوت میکند و تعدیل به احکام ثانویه را نیز از سوی مجلس مستلزم و سوم آراء نمایندگان اعلام میدارد و میگوید: "اگر چند مرتبه مردم ببینند که در مجلس آنهایی را که فرستاده اند در مجلس وهمه را به لیاقت میشناسند اینبار ای هائی میدهند که فقهای شورای نگهبان برای خاطر مخالفت با اسلام رد میکنند خوب، در شان شبهه پیدا میشود ...". (همانجا) و به نمایندگان مجلس توصیه میکند که قبل از تصویب هر قانونی برای آنکه شورای نگهبان آنرا رد نکند یا آنها یعنی شورای نگهبان مشورت کنید و بند و بست هارا انجام دهید و سپس تصویب نمائید و خلاصه کلام اینکه صریحا میگوید: "باید بشکلی رای داد شود که حد اکثر در سال ۲۰۰۰ لایحه از شورای نگهبان رد شود و ...". (همانجا). اینرا نیز از آن جهت میگوید که مسئله سازش های پشت پرده و نمایشی بودن مجلس فرمایشی از انظار پوشیده همانند و گرنه توصیه صریح او اینست که: "... برای هائی که شما میدید، مشورتها زیاد باشد. بلکه گاهی وقتها با بعضی افراد شورای نگهبان مشورت کنید و بعد از اینکه مشورت شد و این امور انطور شد ...". در گرنه شورای نگهبان رد میکند و نه مردم ناراضی میشوند". (همانجا) و باین ترتیب علنا مجلس را به تالیفی از شورای نگهبان و عبارت دیگر به زائده آن بدل میازد.

سپس خمینی در پی این توصیه ها جناح شای متخاصم را بصورت وحدت فراخواند و هوشدار میدهد که: "اگر یک وقتی مردم تو خویا بیان ریختند و شعار بر ضد ما دادند، شعار بر ضد کسانی دادند آنوقت چه مصیبتی است." (همانجا)

خمینی با این جملات، یکبار دیگر به جناحهای دیگر درون حاکمیت فرمان آتش بر میدهد و خشم انقلابی خلق را که بقول بقعه در صفحه ۱۳

تشریح مجلس در حمایت سرمایه و متابعت از شورای نگهبان

تشدید روز افزون اختلافات جناحهای مختلف هیئت حاکمه که نسبت از رشد و گسترش روز افزون بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه میباید اینبار در بروز اختلافات خاد بین مجلس و شورای نگهبان خود نمائی کرده است و این تضادها تا بد انجا پیش رفته است که اساسا متبویات مجلسی که ساخته و پرورده خود رژیم میباشد، از سوی شورای نگهبان عمد تا وتو شد و همورد و اعلام میگردد.

و مجلس که به وضوح ببینند به شیرینی یال و دمی بدل گشته است برای حلال بن بست کنونی به سراغ خمینی میروند. اما برخلاف انتظار می بیند که خمینی تصمیم گیری بر روی احکام ثانویه که چند ی پیش از سوی او به مجلس سپرد شده بود مستلزم آراء و سوم نمایندگان نموده و عملا ملغی میکند. هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در سخنانی که در حضور خمینی مطرح میکند ضمن تعریف و تمجید از ولکلائی مجلس میگوید: "با این حالتی که در نمایندگان هست و با این اعتمادی که به مجلس میشود کرد ما امید داریم امام توجه کافی نسبت به این مجلس میدول دارند و بر راهنمائی های پد رانه و رعبرانه ای که تا بحال داشته اند اضافه نمایند ...". اگر مجلس شورای اسلامی در کارش موفق شد این موضوع که در دنیا ی امروز فرنها تبلیغ شده بود اد بیان آسمانی نمیتوانند محوری برای زندگی اجتماعی مردم باشند و به فکر منابع قانونی دیگر افتاد بودند رد میشود ... ما میتوانیم یک سلسله فواین برای جامعه وضع کنیم و میتوانیم یک الکتی در زیر سایه شما (امام امت) به جهان ارائه دهیم ...". (کعبان ۵ بهمن ماه) رفسنجانی در این سخنان سعی دارد به خمینی هشدار دهد که اگر به مجلس و ولکلائی توجهی شود نه تنها اسلام که سایر ادیان آسمانی نیز از پیش اجتماعی خود را از دست میدهند! و دفتر مجلس را به شا بهارگانی تعیین کنند در رپیروزی یا شکست اسلام در آینده تعلق میکند. سپس خمینی بنا بر سنت و روش -